

متن پرسش

بسمه تعالی سلام: جناب استاد در قران و بعضا در حکایات حکیمان گاهی با داستانهایی روبرو می شویم که ظاهراً با رأفت و عفو بودن پروردگار در تضاد است. مثلاً در داستان حضرت ایوب (ع) که از قوم خود در حالت ناراحتی روگردان شد و شد آنچه که بسر حضرت آمد که انسان خودش را کمی جای ایشان بگذارد حق دارد سکتته کند. از ترس جای سوال است که چطور خدای مهربان و رؤوف با یک تذکر مهربانانه ایشان را برنگرداند و متوجه اشتباهش نکرد. و یا در حکایات مثلاً برداشتن یک تیغ کوچک برای خلال دندان از خرمن یک هیزم فروش باعث آن همه عذاب وحشتناک شد واقعا معاذالله خدای مهربان چنین موجود زبانه لال عصبانی و آماده به عذاب است اگر اینطور باشد که اوایلا یک ذره آن را هم این انسان ضعیف نمی تواند تحمل کند زندگی تقریباً همه انسانها پر از چنین نکات ریزی است که قرار است بخاطرشان چنین عذاب های وحشتناکی ببینند یا مثلاً یک نگاه خشمگین گذرا به چهره یک فرد دیگر موجب خشم کذایی خدای قهار می شود واقعا این خدای مهربان چنین موجود عصبانی و معاذالله خطرناک و مخوفی است؟ اگر چنین چهره ای شکل بگیرد چطور می شود با چنین خدایی که با پیامبر خود چنین کرده انس گرفت و بدون ترس احساس در آغوش بودن داشت چندان کم نیست صفحاتی از قران که این انسان ضعیف را چنان و چنین می ترساند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اولاً: «حسنات الأبرار، سیئات المقربین» را فراموش نکنید. خداوند با بندهای خاصش، برخوردارهای خاص دارد برای رشد سجایای آنها، چه کار دارد به ما مستضعفین! ثانیاً: جریان حضرت ایوب «علیه السلام» با آمادگی خود آن حضرت بود تا نشان داده شود آن حضرت در سختیها هم از دین خدا دست برنمی‌دارد. ثالثاً: شما در بستر رعایت شریعت الهی، هرچه بیشتر امیدوار به رحمت الهی باشید، خداوند بیشتر با رحمتش با شما برخورد می‌کند. مگر نشنیده‌اید که جناب مولوی فرمود: «تو مگو ما را بدان شه راه نیست / با کریمان کارها دشوار نیست». موفق باشید